



## نبرد قطعی و طبقاتی را بیش از این به تأخیر نیندازیم



مبارزات و اعتصابات کارگری پیوسته در حال گسترش است. صنعت نفت و گاز به مرکز تجمعات و اعتراضات کارگری تبدیل شده است. کارگران شاغل در بخشهای مختلف صنعت نفت، به ویژه کارگران پیمانی ارکان ثالث شاغل در مجتمع گاز پارس جنوبی و پالا پشگاه گاز فجر جم که ده ها اعتصاب و تجمع مجزا از هم در صفحه ۳

## جهان سرمایه‌داری در سال ۲۰۲۴

جهان سرمایه‌داری یک سال پر از آشوب ، انفجار تضادهای مه‌ناپذیر، رکود اقتصادی، عمیق‌تر شدن شکاف فقر و ثروت ، جنگ و ویرانی، بحران‌های سیاسی، رشد میلیتاریسم و فاشیسم و تشدید منازعه میان قدرت‌های امپریالیست را بر سر تقسیم مجدد بازارهای جهان و مناطق نفوذ، پشت سر گذاشت.

بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری که مدت‌هاست کشورهای جهان را فراگرفته است، در سال ۲۰۲۴ عمیق‌تر شد. این بحران به‌ویژه در حلقه‌های ضعیف‌تر این نظم جهانی از نمونه ایران، فاجعه‌بارترین شرایط را برای توده‌های کارگر و زحمتکش در پی داشته است. اما بحران و عواقب آن دامنه‌ای جهانی داشته است. بحران اقتصادی پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری که سال‌هاست در نتیجه تشدید تضادهای علاج‌ناپذیر نظم اقتصادی-اجتماعی، در یک دور رکود و کساد دائمی گرفتار آمده است، در سال ۲۰۲۴ عمیق‌تر شد. در این میان، اتحادیه اروپا با وخیم‌ترین بحران روبه‌رو گردید. رشد تولید ناخالص داخلی منطقه یورو در این سال، ۰ / ۸ - درصد گزارش شده است. این رشد برای آلمان، اصلی‌ترین قدرت اقتصادی اروپا ۱ / ۰ - درصد، ایتالیا ۵ / ۰ درصد، فرانسه، ۱ / ۱ درصد بوده است. در خارج از منطقه یورو، نرخ رشد اقتصادی بریتانیا نیز ۹ / ۰ درصد بوده است. ژاپن هم وضعیت مشابهی دارد و به ۲ / ۰ - درصد سقوط کرده است. اما استثنائاتی هم وجود دارد که نرخ رشد ۸ / ۲ درصدی در آمریکا و ۹ / ۴ درصدی در چین بوده است.

در نتیجه این بحران ، فقر در جهان ابعاد گسترده‌تری یافت. گزارش بانک جهانی از ابعاد فقر در جهان که در اکتبر انتشار یافت می‌گوید " برنامه فقرزدایی که قرار بود به کاهش فقر در

در صفحه ۲

**خراج‌ها باید متوقف شود**  
**و**  
**نمایندگان کارگران**  
**به کار بازگردند**

در صفحه ۷

## آموزش: کالایی در دست طبقه مسلط

در صفحه ۱۰

## فروپاشی «محور مقاومت» و تبعات ناگزیر آن در عراق

اخص شخص خامنه‌ای، برای پیشبرد اهداف سیاسی - استراتژیک، پان اسلامیستی و توسعه طلبانه خود، طی دهه های متمادی سرمایه های هنگفتی را برای سازماندهی نیروهای نیابتی خود در کشورهای نظیر لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن هزینه در صفحه ۵

ایران را به سردرگمی و گیجی در پاسخگویی به نیروهای ولایی خود فرو برده است، اما تأثیر بیرونی این سقوط، دستکم تا این لحظه رونمایی شکست کامل پروژه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی تحت عنوان «محور مقامت» در کل منطقه بوده است. هیئت حاکمه ایران و به طور

سقوط ناگهانی حکومت بشار اسد در سوریه به رغم تبعات آشکار و پنهانی که در منطقه از جمله در عراق و یمن هم داشته و خواهد داشت، اما تأثیرات آنی و بلاواسطه آن برای جمهوری اسلامی بسیار سنگین و ناگوار بود. تبعات گریزناپذیر این واقعه اگرچه در عرصه داخلی هیئت حاکمه

## بهداشت و درمان رایگان حق بدیهی تمامی آحاد جامعه است

سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس اسلامی روز سه شنبه درگفت‌وگو با خبرگزاری مجلس اسلامی با اشاره به کمبود بحرانی ۱۱۶ قلم دارو گفت: "اگر دولت برای حوزه دارو منابع لازم را در نظر نگیرد و تدابیر لازم را اتخاذ نکند تا پایان سال کمبودهای دارویی به ۱۰ برابر خواهد رسید". وی با اعتراف به ناتوانی حاکمیت و بیمه‌ها در اجرای طرح "دارویار" ادامه داد: "با توجه به قیمت دلار و در صورت حذف ارز ترجیحی تجهیزات در صفحه ۶

جز ویرانه دیگر چیزی از سیستم بهداشت و درمان کشور باقی نمانده، عموم مردم زحمتکش یا به کلی از حق بدیهی بهداشت و درمان محروم شده‌اند و یا از نازل‌ترین امکانات درمانی آن‌هم با هزینه بسیار برخوردارند. برای آن‌ها که اما پول و ثروت دارند امکانات درمانی و بهترین داروهای خارجی در دسترس است. کثافات نظام سرمایه‌داری نه فقط سیستم بهداشت و درمان که تمام فضای کشور را دربرگرفته است و جمهوری اسلامی به‌عنوان پاسدار نظم حاکم مسئول مستقیم این شرایط فاجعه‌بار است.

## جهان سرمایه‌داری در سال ۲۰۲۴

جهان بیانجامد، متوقف شده است. ۷۰۰ میلیون انسان در جهان باروزی کمتر از ۲ / ۱۵ دلار و ۳ / ۵ میلیارد تن از جمعیت جهان با کمتر از ۶ / ۸۵ دلار در روز زندگی می‌کنند." این در حالی است که دارائی ۲۷۸۰ میلیارد در جهان به بیش از ۱۴ تریلیون دلار افزایش یافت.

اما بحران اقتصادی به‌ویژه در کشورهایی که رکود اقتصادی همراه تورم بوده است، عواقب اجتماعی و سیاسی وسیعی حتی در پیشرفته‌ترین کشورها داشته است. ناراضیاتی کارگران و زحمتکشان از اوضاع وخیم اقتصادی به اعتراضات میلیون‌ها کارگر و زحمتکش در پنج قاره جهان انجامید. در کشورهای اروپائی، پی آمد تعمیق بحران اقتصادی و تشدید تضادها، یک بحران سیاسی بود. این بحران در بی‌ثباتی و سقوط پی‌درپی کابینه‌ها، حتی در کشورهایی نظیر آلمان و فرانسه و بی‌اعتباری احزاب سنتی سوسیال‌دمکرات و لیبرال در میان مردم، انعکاس یافت. هم‌زمان با آن، در غیاب یک بدیل انقلابی و جنبش مستقل سیاسی طبقه کارگر، جریان‌های بورژوازی راست و فاشیست، نژادپرست، پناهنده ستیز و زن‌ستیز با بهره‌برداری از ناراضیاتی توده‌ای، رشد کردند و در تعدادی از کشورهای اروپائی در کابینه‌های ائتلافی جناح راست حضور یافتند. در کشوری نظیر آلمان که هم‌اکنون کابینه سقوط کرده است، احتمال آن هست که حزب نئوفاشیست آلترناتیو به بزرگترین برنده انتخابات تبدیل شود. قدرت‌گیری راست‌های نئوفاشیست، حتی به تهدیدی جدی برای کل اتحادیه اروپا و فروپاشی آن تبدیل شده است. تنها نمونه استثنائی در این میان فرانسه است که ائتلاف چپ توانست در جریان بحران سیاسی کنونی رشد کند و حتی مانع از به قدرت رسیدن حزب نژادپرست و نئوفاشیست اجتماع ملی گردد. پیروزی ترامپ بر رقیب دمکراتش نیز با تمایلات شدید نژادپرستانه سفیدپوست محور، زن‌ستیز و خارجی ستیز، دشمن طبیعت و محافظت از محیط‌زیست، بازتاب بحران سیاسی، چرخش به راست و تقویت جریان‌های نژادپرست و نئوفاشیست در جهان سرمایه‌داری است.

این بحران در قاره آفریقا به فقری هولناک با جنگ‌های داخلی، شورش‌ها و قتل و کشتارهای وسیع همراه بوده است. ادامه جنگ داخلی در سودان نمونه برجسته آن است که تاکنون ۲۰ هزار کشته و متجاوز از ۷ میلیون آواره داشته است. اوضاع در لیبی نیز همچنان عرصه درگیری گروه‌های رقیب و قدرت‌های خارجی آن‌هاست که نفت این کشور را غارت می‌کنند. بحران سیاسی اخیر کره جنوبی که ظاهراً قرار بود ویتزین دمکراسی لیبرال و غربی در آسیای جنوب شرقی باشد، ادامه جنگ داخلی در میانمار، قیام دانشجویی و توده‌ای علیه تبعیض و اوضاع وخیم اقتصادی که به فرار نخست‌وزیر این کشور به هند انجامید، وقایع سیاسی بخش دیگری از جهان در این سال بود.

در سال ۲۰۲۴ خاورمیانه متشنج‌ترین منطقه در جهان سرمایه‌داری بود و یک دوران پرحادثه را

گذراند. ارتش اسرائیل تحت رهبری کابینه فاشیست و نژادپرست نتانیاو، در پی اشغال غزه به وحشی‌گری و جنایت علیه مردم غزه تا پایان سال همچنان ادامه داد. غزه را به‌کلی ویران کرد. متجاوز از ۴۵ هزار تن از مردم را کشت. ده‌ها هزار تن از فلسطینیان مصدوم و صدها هزار تن آواره شدند. این اقدامات وحشیانه البته اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای را در بسیاری از کشورهای جهان علیه این جنایات و در دفاع از مردم ستمدیده فلسطین برانگیخت. اما کابینه نتانیاو همچنان به کشتار و نسل‌کشی مردم فلسطین ادامه داد. این وحشی‌گری سرانجام دیوان کیفری بین‌المللی لاهه را واداشت که در ۲۱ نوامبر حکم جلب نتانیاو و وزیر جنگش گالانت را به اتهام "جنایات جنگی" و نیز "جنایت علیه بشریت" به همراه فرمانده نظامی حماس، محمد ضیف صادر کند.

در ادامه جنگ و لشکرکشی به غزه، درگیری نظامی میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان افزایش یافت و در اکتبر بود که اسرائیل حمله نظامی گسترده‌ای را به حزب‌الله و لبنان آغاز کرد. این جنگ که متجاوز از ۳ هزار کشته از نیروهای حزب‌الله و مردم لبنان برجای گذاشت، با عقب‌نشینی حزب‌الله از مناطق جنوبی لبنان به آتش‌بس انجامید. اما تازه این آتش‌بس در لبنان آغاز شده بود که در اوایل دسامبر اسلام‌گرایان تحت حمایت ترکیه حمله گسترده و سریعی را برای سرنگونی بشار اسد سازمان دادند که تنها پس از گذشت ده روز به سرنگونی رژیم بعثی و کسب قدرت توسط گروه‌های اسلام‌گرا به رهبری هیئت تحریر شام انجامید.

در جریان تحولات سیاسی خاورمیانه، پیوسته تضاد میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل تشدید شد. این تشدید مخاصمات، گاه به موشک‌باران و بمباران دو کشور انجامید. اوضاع خاورمیانه همچنان متشنج است و تازه به درگیری مستقیم انصار الله یمنی و اسرائیل انجامیده است. این درگیری‌ها در واقع جنگ غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل بوده است. با این تحولات، استراتژی جمهوری اسلامی برای جنگ و سرنگونی اسرائیل از طریق محاصره نیروهای نیابتی به شکست انجامید و جمهوری اسلامی موقعیت پیشین خود را در خاورمیانه از دست داد. این تحولات سیاسی در خاورمیانه در عین حال تبدیل به کشمکشی میان قدرت‌های رقیب امپریالیست شد. امپریالیسم آمریکا که پس از لشکرکشی نظامی به عراق و سوریه متحمل شکست گردید و موقعیتش تضعیف شده بود، در جریان درگیری‌های خاورمیانه با حمایت همه‌جانبه نظامی و سیاسی از اسرائیل تلاش نمود موقعیتش را در منطقه بهبود بخشد. لذا این تحولات سیاسی در مجموع به نفع امپریالیسم آمریکا تمام شد.

یکی دیگر از عرصه‌های درگیری قدرت‌های امپریالیست در این سال، که مستقیماً در آن حضور دارند، جنگ در اوکراین است.

توأم با تشدید تضادها و بحران‌های جهان سرمایه‌داری، کشمکش و نزاع میان قدرت‌های

امپریالیست شکل حادثی به خود گرفت. جنگ در اوکراین به رودرویی مستقیم‌تر ناتو با روسیه انجامید. در طول یک سال گذشته، کشورهای عضو ناتو ده‌ها هزار دلار نقد و انبوهی از پیشرفته‌ترین سلاح‌های خود را در اختیار رژیم اوکراین قرار دادند تا شاید بتوانند روسیه را در این رقابت شکست دهند. فشارهای سیاسی و اقتصادی نیز بر روسیه افزایش یافت. اما برعکس، نتیجه جنگ تا پایان سال، پیشروی بیشتر نیروی نظامی روسیه در خاک اوکراین و کشته و مصدوم شدن هزاران نیروی نظامی اوکراین بود، به‌نحوی که هم‌اکنون با کمبود شدید نیرو روبه‌روست. بخش بزرگی از تأسیسات زیر بنائی این کشور نیز در این یک سال نابود شدند. باین‌وجود هنوز چشم‌اندازی جز وعده‌های مبهم ترامپ برای خاتمه جنگ وجود ندارد. اما این جنگ به هر شکلی که به سرانجام برسد، در واقعیت تشدید تضادها و آمادگی هر چه بیشتر قدرت‌های امپریالیست، برای جنگ‌های آتی تغییری پدید نمی‌آورد. از همین روست که در سال ۲۰۲۴ قدرت‌های اروپائی هزینه‌های نظامی خود را شدیداً افزایش دادند که در نتیجه آن، بازار پررونقی هم برای انحصارات تسلیحاتی در اروپا و آمریکا ایجاد شد. کشورهای اروپائی در همان حال خطوط دفاعی و استحکامات نظامی خود را در مناطق مرزی تقویت کردند و تدابیری برای محافظت از غیرنظامیان در جریان جنگ‌های آینده اندیشیدند. پناهگاه‌های جنگ جهانی دوم بار دیگر احیا شدند.

اما این رقابت و کشمکش امپریالیست‌ها در این یک سال، تنها شکل نظامی نداشت، بلکه با یک جنگ اقتصادی همراه بوده است. محدودیت‌های متعددی در این یک سال بر سر صدور کالاها و سرمایه‌گذاری‌های چینی از سوی آمریکا و اروپا به مرحله اجرا درآمد و تعرفه‌های سنگینی بر واردات کالاهای چینی وضع شد. این رقابت اقتصادی و کشمکش سیاسی میان قدرت‌های امپریالیست جهان با آغاز دوره زمامداری ترامپ بازم تشدید خواهد شد.

تشدید تضادها و بحران‌های سرمایه‌داری جهانی که تنها به نمونه‌هایی از آن در این نوشته اشاره شد، نتیجه ناگزیر نظامی است که از سال‌ها پیش به یک نظم زائد تاریخی تبدیل شده است و برجای ماندن آن جز مصیبت‌ها و فجایع روزافزون برای توده‌های کارگر و زحمتکش سراسر جهان نتیجه‌ای در پی نداشته و نخواهد داشت. مادام که سرمایه‌داری بر جهان حاکم باشد، نه‌تنها هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع به نفع توده‌های کارگر و زحمتکش متصور نیست، بلکه سال‌به‌سال بر وخامت اوضاع افزوده خواهد شد. یگانه بدیل این نظم پوسیده، سوسیالیسم است که نجات‌بخش بشریت از تمام فجایعی است که سرمایه‌داری به بار آورده است.



## نبرد قطعی و طبقاتی را بیش از این به تأخیر نیندازیم



نشان داده و خواهان تغییر وضع موجود شده اند.

صرف نظر از تجمعات هفتگی و خیابانی باز نشستگان تأمین اجتماعی، باز نشستگان فرهنگی و کشوری، باز نشستگان مخابرات، باز نشستگان صنعت نفت، فولاد و معدن، سایر اقشار جامعه نیز از پرستاران و زنان و کادر در مان گرفته تا بیماران، معلمان، دانشجویان، کشاورزان، رانندگان و کامیونداران همه ناراضی اند و نارضایتی خود را با برپایی تجمعات اعتراضی نشان داده اند. تجمعات اعتراضی در رابطه با مازوت سوزی، قطع برق، کمبود گاز و سوخت، آلودگی هوا، تجمعات اعتراضی در شهرک های صنعتی، اعتراضات فعالان زیست محیطی در شهرها و استانهای مختلف به امری روتین تبدیل شده است. اخیراً اعلام شد دست کم ۸۰ واحد نیروگاهی به دلیل کمبود سوخت از مدار خارج شده و کمبود برق به مشکل بزرگ صنایع و کارخانه ها تبدیل شده است. حتی صاحبان کارگاه ها و کارخانه ها نیز زبان به اعتراض گشوده اند.

نارضایتی عمیق همراه با روحیه اعتراضی و ناآرامی، مختص این یا آن بخش از کارگران و زحمتکشان نیست. هیچ بخشی از توده مردم زحمتکش، راضی یا غیر معترض نیست. همه معترض اند و از وضعیتی که بر آن ها حاکم شده به تنگ آمده اند. افزایش مداوم و سرسام آور قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز مردم، تورم افسار گسیخته، ده ها مشکل اقتصادی و معیشتی، مشکل مسکن، دارو، بهداشت، بیمه و درمان، مشکل آموزش و تحصیل، مشکل آب، نان، برق، گاز و مشکلات فراوان دیگری از این دست، اکثریت مردم جامعه را به ستوه آورده است. گروه های مختلف

برگزار نموده اند، مدتی است اعتراضات و تجمعات خویش را هماهنگ نموده و چندین تجمع بزرگ و مشترک برپانموده اند. سومین تجمع بزرگ و هماهنگ توأم با راه پیمایی متجاوز از ۵ هزار کارگر مجتمع گاز پارس جنوبی و بیش از هزار کارگر پالایشگاه گاز فجر، سه شنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۳ برگزار شد. با استمرار اعتراض و تجمع پیشتازان و پیشقراولان صنعت نفت و گاز در مجتمع گاز پارس جنوبی و پالایشگاه گاز فجر، سایر کارگران این صنعت نیز آرام آرام وارد میدان مبارزه می شوند. اعتراض و تجمع اخیر این کارگران، با پیوستن کارگران ارکان ثالث شرکت نفت و گاز گچساران همراه شد. بیش از هزار کارگر این شرکت با سردادن شعارهایی چون "تولید عالی، سفره خالی"، دست به تجمع و راه پیمایی زدند. افزون بر این، کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت فلات قاره- بهرگان، لاوان و برخی سکویهای نفت و گاز نیز به تجمعات پیوسته اند. این اعتراضات و تجمعات مداوم و شورانگیز بدون شک روی سایر کارگران و کشاندن آنان به صحنه مبارزه تأثیر گذاشته و بیش از این خواهد گذاشت.

اعتراضات و تجمعات کارگری به موارد فوق خلاصه نمی شود. در یک هفته - ده روز اخیر کارگران در ده ها کارخانه و مؤسسه دست به اعتصاب و تجمع زده اند که از جمله می توان به اعتصاب کارگران شرکت بهره برداری پتروشیمی کارون، پتروشیمی شاپاد (اسلام آباد غرب)، اعتصاب و تجمع کارگران فولاد آذربایجان، فولاد ابهر، اعتصاب کارگران شیشه سهند جام تبریز، کشت و صنعت سلمان فارسی، کارگران شهرک صنعتی گلگون، کارگران جوشکار پالایشگاه تهران، کارگران کارخانه تغلیظ مس، کارگران کرپ ناز کرمانشاه، کارگران شهرداریها و تجمع اعتراضی ۵۰ کارگر اخراجی واگن پارس اشاره نمود.

گرچه کمیت اعتراضات و تجمعات کارگری بسیار بالاست و کارگران شاغل در صنعت نفت و گاز در صدر این جدول قرار دارند، اما اعتراض و تجمع و راه پیمایی صرفاً به کارگران محدود نمی شود. امروز فقط کارگران نیستند که در عین استثمار و حشبیانه در بدترین شرایط کاری، به فقر و گرسنگی و سیه روزی سوق داده شده اند. تمام اقشار زحمتکش جامعه از مجموعه فشارهای اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و ظلم و ستم ارتجاع حاکم به ستوه آمده اند. آنان نیز از وضع موجود به شدت ناراضی اند، از رژیم حاکم به شدت متنفرند و در اعتراضات خویش در اشکال گوناگون این نفرت را

اجتماعی تشکیل دهنده این اکثریت، علیه وضع موجود و برای تغییر آن در اشکال گوناگونی دست به اقدام و اعتراض زده اند. ارتجاع حاکم ناتوانی خود را در زمینه حل مشکلات و معضلات جامعه حتی مسائل ابتدایی چون تأمین آب و برق و گاز به اثبات رسانده است. راهزنان حاکم جز به غارت و چپاول به چیز دیگری نمی اندیشند. در حالیکه هر روز با ولع هرچه بیشتر بخشهای دیگری از ثروت های جامعه را به یغما می برند و کارگران را به وحشیانه ترین شکلی استثمار می کنند و هر بار شمه ای از راهزنی ها و دزدی آن ها برملا می شود، اکثریت مردم جامعه را به فقر، تنگدستی، گرسنگی و سیه روزی سوق داده اند. طبقه حاکم، استثمار و غارت را به حد نهایت خود رسانده است. نان را از سفره ها ربوده است و حتی یک هوای سالم نیز برای مردم باقی نگذاشته است. بدیهی است که هیچ بخشی از توده مردم خواهان ادامه این معضلات و خواهان ابقای رژیم حاکم نیست. توده مردم سال هاست که بر سینه ارتجاع حاکم دست رد زده اند و نه فقط بر سینه آن دست رد زده اند بلکه برای برانداختنش نیز وارد عمل شده اند.

علی رغم این و علی رغم تمام اعتصابات بزرگ کارگری و اعتراضات خیابانی و مبارزات اقشار گوناگون جامعه و به رغم ابعاد وسیع و گسترده این مبارزات، اما ارتجاع اسلامی بر سر قدرت مانده و به حیات ننگین خود ادامه داده است. مبارزات اگرچه نسبتاً وسیع و گسترده است و این

در صفحه ۴

زنده باد آزادی  
زنده باد سوسیالیسم

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی



## نبرد قطعی و طبقاتی را بیش از این به تأخیر نیندازیم

بسیار مهم است، شور بختانه اما جدا جدا و پراکنده است که این مهمتر است. از اینجاست که به رغم آنکه هیچ بخشی از توده مردم جز این فکر نمیکنند که این رژیم از تجاعی و ستمگر باید سرنگون شود و برود، اما این اتفاق نمی افتد. اعتصاب هست، اعتراض خیابانی هست، تجمعات اعتراضی اقشار گوناگون مکرر در مکرر هست، اما ارتجاع اسلامی هم هست و به حیثیتش ادامه داده است.

پوشیده نیست مادام که این اعتراضات و مبارزات، پراکنده و جدا از هم باشند، ارتجاع اسلامی نیز به حاکمیت خود ادامه خواهد داد. باید راهی برای غلبه بر این جدایی و پراکندگی پیدا کرد. توده های مردم هیچ راهی ندارند جز آنکه اعتراضات و مبارزات خود را یک کاسه کنند. جویبار های مبارزه در بخشهای مختلف را باید به هم پیوند داد و رود خانه خروشان بزرگ و سیل آسایی پدید آورد. در برابر چنین رود خانه بزرگ خروشنده و سیل آسایی، هیچ ارتجاعی را یارای مقاومت نخواهد بود.

تجربه ۴۵ سال حاکمیت جمهوری اسلامی بایستی به همگان آموخته باشد که مشکل اصلی کارگران، زنان، پرستاران، بازنشستگان و عموم زحمتکشان صرفاً در این یا آن خواست ویژه و محلی هر گروه اجتماعی که بی پاسخ و روی زمین مانده، نیست. گرچه در سطح خواستهای محلی یا ویژه هر گروه نیز می تواند خواستهای مشترکی وجود داشته باشد و وجود دارد، اما موضوع اصلی این است که اولاً این خواست ها در مبارزات و اعتراضاتی جدا جدا و مجزا از هم عنوان می شوند که یک نقطه ضعف است و ثانیاً، تمام خواستها، همه جا با سد حاکمیت روبرو شده و در نهایت به یک مانع اصلی یعنی رژیم حاکم برخورد می کند. بنابراین در چاره جویی ها و برون رفت از وضع موجود نیز باید این نقطه ضعف را از میان برداشت و روی مانع اصلی خم شد. بیش از هر زمان دیگری متمرکز ساختن و ضربت اصلی را نیز بر همین مانع اصلی وارد ساخت.

مسیر پیوند اعتراضات و مبارزات پراکنده اما، از کانال طبقه کارگر و جنبش این طبقه فراهم می شود. تنها این طبقه است که از نظر کمی و کیفی از این اعتبار و پتانسیل برخوردار است که دیگر اقشار زحمتکش را حول پرچم خود گرد آورد، قدرتمندانه با ارتجاع حاکم چنگ در چنگ شود و در یک سنیز طبقاتی رادیکال و پیگیر، راه پیروزی

کارگران و زحمتکشان و نجات از شر مصائب موجود را هموار سازد.

سایر اقشار زحمتکش جامعه نیز، همه چشم به طبقه کارگر دوخته اند. طبقه کارگر باید تکانی به خود بدهد. کارگران صنعت نفت به ویژه در بخش کارگران پیمانی ارکان ثالث که امروز در نقش پیشتازان و پیشقراولان کارگران صنعت نفت، پا به صحنه مبارزه گذاشته اند، چندین تجمع و اعتصاب و راه پیمایی از جمله سه تجمع سراسری چند هزار نفره سازمان داده اند. کمیت کارگرانی که به این تجمعات سراسری می پیوندند، پیوسته در حال افزایش است. اما این تجمعات و اعتراضات باشکوه به رغم طرح برخی مطالبات سیاسی، عمدتاً در محدوده خواستهای صنفی و اقتصادی باقی مانده باضافه اینکه به یک جنبش فراگیر فرارنویده است. اکنون شرایطی فراهم شده است که کارگران صنعت نفت در چنین مسیری گام نهند. کارگران صنعت نفت از این موقعیت و توانایی برخوردارند که در ابعادی باز هم گسترده تر خود را سازمان داده و اعتصابات بزرگ تر اقتصادی و سیاسی را سازمان دهند.

خفت و خواری و چانه زدن های بی ثمر کافی است. مدارا با وضع موجود بیش از این جایز نیست. چند میلیون کمتر یا بیشتر، تغییر اساسی در وضعیت ما ایجاد نمی کند. ۴۵ سال تجربه زندگی تحت حاکمیت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی گویای این واقعیت است که در چارچوب نظم حاکم، وضعیت زندگی طبقه کارگر به اندازه سر سوزنی بهتر نشده که بیش از پیش وخیم تر شده است. انتظار "عدالت" (۱) که در برخی شعارها شنیده می شود - در هر حد و اندازه - از کارفرما و پیمانکار و دولتی که حامی جدی آن هاست، هیچگونه خوانایی با واقعیت های موجود ندارد. انتظار عدالت از طبقه سرمایه دار و رژیم سیاسی آن، انتظاری به کلی بیپوده است. عدالت تنها به دست خود کارگران، به دست طبقه کارگر برقرار خواهد شد. آنچه در شرایط کنونی بسیار مهم است این است که در شرایط نسبتاً مناسبی که فراهم شده، ما کارگران باید خود را در ابعاد گسترده تری سازمان داده و اعتصابات گسترده اقتصادی و سیاسی را سازماندهی کنیم.

هم اکنون ارتجاع اسلامی در بدترین شرایط، بحرانی ترین و ضعیف ترین موقعیت در تمام دوران حاکمیت خود قرار دارد. شکست های پی در پی رژیم هم در عرصه سیاستهای داخلی و هم به ویژه در عرصه

مسائل خارجی و منطقه ای، رژیم حاکم را به شدت تضعیف و در همان حال مفتضح ساخته است. با برچیده شدن بساط نیروهای نیابتی رژیم و واژگونی دار و دسته رژیم بشار اسد هیئت حاکمه و در رأس آن شخص خامنه ای، از همیشه ناتوان تر و مفلوک تر شده اند. تمام تبلیغات و نمایشات اقتدار رژیم در منطقه که عمدتاً بر همین نیروها تمرکز یافته بود، یکسره دود شد و به هوارفت. ضربات پی در پی، ارتجاع حاکم را گجج کرده است. ریزش نیروهای وفادار به ارتجاع حاکم افزایش یافته است. هربار که علی خامنه ای دهان باز کرد تا معدود نیروهای جانبدار خود را دلداری و به آن ها قوت قلب بدهد، اقتضاح دیگری به بار آورد و رسوا تر شد. رژیم جمهوری اسلامی که در جنبه تضادها، بحرانها و معضلات عدیده ای دست و پا می زند، از درون به کلی فرو ریخته است. هیچ یک از گروه های اجتماعی که در صحنه مبارزه حاضر هستند، هیچ کس، نه فقط از میان کارگران، زنان، معلمان و توده های زحمتکش مردم ایران، بلکه حتی بسیاری از نیروهای حکومتی نیز امیدی به ادامه وضع موجود ندارند. عمر رژیم پایان یافته و زمان وارد ساختن ضربه اصلی فرارسیده است. ضربات جدا جدا و پراکنده را هماهنگ و یک کاسه کنیم. امروز وظیفه ما کارگران است با برافراشتن پرچم مبارزه، پیشاپیش دیگر اقشار زحمتکش ظاهر شویم و یک مبارزه سیاسی و سراسری را علیه تمام نظم موجود سازمان دهیم. طبقه کارگر نیرو و ستون اصلی انقلاب اجتماعی کارگری است. تنها طبقه کارگر است که قادر به برافراشتن پرچم مبارزه ای زیر و رو کننده است. تنها طبقه کارگر است که رسالت دگرگونی بنیادی نظم موجود و نجات کل جامعه را برعهده دارد. این، یگانه راه نجات جامعه است. یگانه راه پایان دادن به دیکتاتوری ۴۵ ساله حکومت اسلامی است. یگانه راه رسیدن به آزادی و برابری است. به پا خیزیم و نبرد قطعی و طبقاتی را بیش از این به تأخیر نیندازیم.

### پانویس

۱- برخی از کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی در تجمع اخیرشان شعار می دادند: "حق و حقوق شعار ماست، عدالت انتظار ماست"



## فروپاشی «محور مقاومت» و تبعات ناگزیر آن در عراق

کشور را همچنان همانند گذشته به نیروهای شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی گره بزند. پوشیده نیست با روی کار آمدن ترامپ موضوع انحلال یا عدم انحلال نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق شرایط بازم پیچیده تری را برای حاکمیت این کشور رقم خواهد زد. بی تردید، روند این وضعیت با شروع به کار ترامپ در نیمه دوم ژانویه ۲۰۲۵ و تصمیمات او در مورد حذف نیروهای تروریست و نیابتی جمهوری اسلامی اوضاع را برای دولت عراق از این هم که هست بحرانی تر و وخامت بارتر خواهد کرد.

محمد شیاع السودانی - نخست وزیر عراق - اگر نتواند یا نخواهد موضوع نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی را آنگونه که ترامپ مد نظر دارد، حل و فصل کند، یقیناً با شرایط پیچیده تری مواجه خواهد شد. اعمال تحریم صادرات نفت عراق احتمالاً نخستین گزینه ترامپ در اعمال فشار به کابینه محمد شیاع السودانی جهت انحلال حشدالشعبی و دیگر نیروهای مورد حمایت جمهوری اسلامی خواهد بود. وضعیت ناپایدار اقتصاد عراق و وابستگی این کشور به صادرات نفت، خرابتر از آن است که دولت عراق بخواهد بقاء خود و حاکمیت این کشور را به حفظ نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق گره بزند.

اینکه نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق، دست به نقد از حمله به اسرائیل امتناع کرده اند، نخستین نشانه های بازدارندگی این نیروهای شبه نظامی و تروریست جمهوری اسلامی در عراق است. امتناع کنونی آنان از حمله به اسرائیل، از جمله امتناع از حملات موشکی و پهپادی به اسرائیل و پایگاه های آمریکا، چه با تأکید جمهوری اسلامی باشد، چه با دستور دولت عراق و چه از ترس خود آنان از واکنش های تند و تیز اسرائیل و دولت آمریکا، در اصل موضوع هیچ تغییری ایجاد نمی کند. آنچه مهم است، روند فروپاشی عمق استراتژیک محور مقاومت جمهوری اسلامی در منطقه است که با سرنگونی حکومت بشار اسد اکنون ابعادی وسیعتری یافته و عملاً اوضاع را برای بقاء نیروهای نیابتی عراق نیز سخت تر و چه بسا موقعیت آنان را با اضمحلال مواجه کرده است.

پوشیده نیست، تأثیر سقوط بشار اسد در عراق، فقط در فروپاشی یا به انزوا کشاندن نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در این کشور خلاصه نخواهد شد. شکل گیری نیروهای حشدالشعبی و

پیش و قبل از سقوط بشار اسد هم در مورد وضعیت نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق با نخست وزیر این کشور و همچنین آیت الله سیستانی دیدار و گفتگو کرده بود، اما دیدار مجدد او در اول دیمه جاری با محمد شیاع السودانی و سید محمد رضا - پسر آیت الله سیستانی - حاکی از آن است که موضوع انحلال شبه نظامیان عراق و به عبارتی درست تر، اضمحلال محور مقاومت در عراق، برای آمریکا، اسرائیل، کشورهای غربی و حتی سازمان ملل به امری جدی و حائز اهمیت تبدیل شده است.

نتایج اولیه سقوط بشار اسد و مجموعه دیدارها، گفتگوها و اعمال فشارهای تاکنونی آمریکا بر دولت عراق، دست به نقد نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی را بر آن داشته تا از هرگونه حملات موشکی و پهپادی به اسرائیل از خاک عراق پرهیز کنند. البته اهمیت جلوگیری از حملات نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی به اسرائیل برای دولت عراق مهمتر از آن است که صرفاً در انحلال یا خلع سلاح شبه نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی خلاصه شود. این امر برای نخست وزیر عراق هم اینک فراتر از تصمیم گیری در مورد انحلال یا عدم انحلال نیروهای شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق است که بخواهد یا بتواند موفق به انجام آن باشد یا نباشد.

بعد از سقوط بشار اسد و با تغییر توازن قوایی که به ضرر جمهوری اسلامی در منطقه شکل گرفته است، اکنون مستقیم و غیر مستقیم مسئله بود و نبود دولت عراق نیز به نوعی با تغییر و تحولات جاری منطقه گره خورده است. هم اینک حماس به صورت یک نیروی نظامی از معادلات محور مقاومت خارج شده است. حزب الله لبنان هم، دیگر فاقد آن تأثیرگذاری لازم در عمق استراتژیک جمهوری اسلامی است. سرنگونی حاکمیت بشار اسد نیز کاری ترین ضربه به عمق استراتژیک جمهوری اسلامی بود که باعث فروپاشی تمام پایه های آن در منطقه شد. با وضعیت پیش آمده، دیر نیست که حوثی های یمن هم از معادلات محور مقاومت حذف شوند. از اینرو اوضاع برای دولت عراق وخامت بارتر از آن است که بخواهد سرنوشت بحرانی عراق و حاکمیت این

کرد. در این میان، اما آنچه برای جمهوری اسلامی از اهمیت استراتژیک برخوردار بود، همانا سرمایه گذاری بی وقفه در سوریه برای حفظ و تقویت حکومت بشار اسد - به مثابه ستون و خیمه گاه محور مقاومت - بود. حال با سرنگونی بشار اسد، نه فقط جمهوری اسلامی در سیبل بازندگان اصلی این واقعه قرار گرفته است، نه تنها توازن قوای منطقه ای به شدت علیه جمهوری اسلامی بهم خورده است، بلکه با فروپاشی پایه های «محور مقاومت» در سوریه، اکنون فرایند این فروپاشی به نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق هم رسیده است.

اگر حمله وحشیانه ۷ اکتبر حماس به اسرائیل به هنگام برگزاری یک جشنواره موسیقی، خامنه ای را بر آن داشت تا شادمانه بر شانه های نیروهای مرتجع حماس بوسه زند؛ اما تبعات نافرجام این اقدام نسنجیده و کشتار جمعی مردم حاضر در آن جشنواره توسط نیروهای حماس، که بی درنگ با تهاجمات وحشیانه ارتش فاشیستی اسرائیل شروع و تا به امروز هم ادامه دارد، به نوعی ناقوس فروپاشی عمق استراتژیک جمهوری اسلامی را هم به صدا در آورد.

نابودی قدرت نظامی حماس و حزب الله - دو بازوی اصلی محور مقاومت - نشانه های اولیه این فروپاشی بودند، که با سقوط دولت بشار اسد، صدای این فروپاشی قویتر شد و اکنون بانگ اضمحلال کامل آن بلندتر از هرزمانی در منطقه و جهان پیچیده است. دلیل این امر نیز بسیار روشن است. تغییر توازن قوا در منطقه، فروپاشی کامل سه پایه اصلی «محور مقاومت» مورد نظر خامنه ای، فرو ریختن هیمنه جمهوری اسلامی در نزد نیروهای خودی و به طریق اولی تضعیف توان و سازماندهی مجدد نیروهای مزدور و نیابتی اش در منطقه از جمله دلایل اولیه نابودی محور مقاومت در منطقه است.

حال با سقوط بشار اسد - به عنوان «عمق استراتژیک» و خیمه گاه محور مقاومت - ترکش های انفجاری این واقعه به نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق هم رسیده است. امری اجتناب ناپذیر و قابل پیش بینی که اکنون حذف نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق را به موضوع روز آمریکا، اسرائیل و سازمان ملل تبدیل کرده است.

جدای از درخواست همیشگی آمریکا از دولت عراق و اعمال فشار بر این کشور برای انحلال شبه نظامیان حشدالشعبی و دیگر نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی، هم اینک پیشبرد این موضوع به صورت امری جدی تر در دستور کار آمریکا و شرکای اروپایی اش قرار گرفته است. دیدار محمد احسان - نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل - از عراق و صحبت های او با محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق، در مورد خلع سلاح نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی از جمله سریعترین تبعات سقوط بشار اسد در عراق است.

اگرچه نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل، ماه



## بهداشت و درمان رایگان حق بدیهی تمامی آحاد جامعه است

پزشکی، هزینه پرداخت از جیب بیمار ممکن است ۱۵ برابر شود. در سال اول اجرای دارویار، ۶۳ همت برای آن مصوب شد که تنها ۱۳ همت آن اختصاص یافت، در سال دوم ۷۰ همت مصوب شد که تنها ۳۰ همت و در سال سوم نیز ۷۵ همت مصوب شد که ۳۰ همت آن تخصیص یافت. وی در ادامه سخنان خود گفت: "واردکنندگان تجهیزات و ملزومات مصرفی پزشکی و قطعات یدکی اعلام کردند اگر دولت طی چند ماه آینده مطالباتشان را پرداخت نکند ورشکست خواهند شد و با چالش جدی کمبود تجهیزات پزشکی مواجه خواهیم شد".

به نوشته روزنامه هم میهن (۴ دی‌ماه)، براساس اظهارات رئیس سازمان غذا و دارو بیش از ۳۳ همت بدهی به صنایع دارویی و بیش از ۲۲ همت بدهی به صنایع تجهیزات پزشکی خطر ورشکستگی صنایع دارویی را تهدید می‌کند. به نوشته‌ی این روزنامه افزایش ۴۲ درصدی هزینه‌های تولید، بدهی دولت و بیمه‌ها به صنایع دارویی و تجهیزات پزشکی، نرخ بالای تورم، نرخ بالای بهره بانکی، افزایش بدهی نسبت به موجودی، حجم بالای چک‌های برگشتی و قیمت‌گذاری دستوری باعث شده تا این شرکت‌ها به لبه تعطیلی و یا ورشکستگی پرتاب شوند.

به گزارش "مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی" که اواخر آذرماه انتشار یافت، بخش دارو بعد از حوزه چوب و کاغذ بیشترین افت تولید را در میان صنایع کشور داشته است. براساس این گزارش شرکت‌های داروسازی بوری در بهار سال جاری ۲/۶ درصد و در تابستان ۱۸/۵ درصد افت تولید داشته‌اند. پیشتر جعفر قائم‌پناه معاون اجرایی پزشکیان به تاریخ ۲۴ مرداد با بیان این‌که تغییر نرخ ارز ترجیحی از ۴۲۰۰ تومان به ۲۸۵۰۰ تومان نیاز تولیدکنندگان به نقدینگی را ۷ برابر افزایش داد، گفته بود: "مشکلات مربوط به عدم تخصیص بودجه طرح دارویار، باعث شد که در سال جاری نسبت به سال گذشته میزان تولید دارو ۳۰ درصد کاهش داشته باشد". هم‌زمان با کاهش تولید دارو، واردات دارو نیز در سال گذشته با ۱۳/۶ درصد کاهش به ۲/۳ میلیارد دلار و در شش ماهه اول سال جاری نیز به ۱/۱ میلیارد دلار کاهش یافت. نه فقط کمبود و بهای دارو که عموماً تا چند برابر افزایش یافته‌اند، بلکه کیفیت داروهای تولید داخل نیز به یک معضل بزرگ برای مردم زحمتکش و ستمدیده جامعه تبدیل شده است. کیفیت پایین انسولین تولید داخل یک نمونه است که عوارض جانبی آن نیز سلامت و جان بیماران دیابتی را تهدید می‌کند. به‌گفته‌ی رئیس انجمن داروسازان ایران "کیفیت داروهای ایرانی به‌گونه‌ای است که چیزی برای بهبود بیمار در آن جز تلقین نیست، مانند قیمة بدون گوشت و تا زمانی که قیمت‌ها دستوری است نمی‌توان کیفیت آن‌ها را بالا برد". داروسازان همچنین برای حفظ (و حتی افزایش) میزان سود به خرید مواد اولیه ارزان قیمت و بی‌کیفیت روی آورده‌اند که تأثیر زیادی در کیفیت پایین داروهای داخل دارد و این همه در

حالی‌ست که به دلیل محدودیت شدید واردات، هم اکنون بیش از ۹۵ درصد بازار دارو در اختیار داروهای ساخت داخل است. عجیب‌تر آن‌که با وجود افزایش سرسام‌آور بهای داروها، شرکت‌های بیمه بسیاری از خدمات درمانی را از لیست بیمه حذف و یا درصد پرداختی بیمه را کاهش داده‌اند. به گفته‌ی رئیس کانون دولتی "بازنشستگان تامین اجتماعی" ۵۰۰ قلم دارو از لیست بیمه حذف شده‌اند. یکی از نتایج عدم پرداخت بودجه طرح "دارویار" به بیمه تامین اجتماعی (که تاکنون ریالی پرداخت نشده) افزایش بار مالی بهای دارو و درمان در اشکال گوناگون بر دوش بیمه‌شدگان تامین اجتماعی یعنی کارگران شاغل و بازنشسته است.

برای نمونه بیمه تامین اجتماعی تنها درصدی ناچیز از هزینه‌های دارو یا بستری شدن در بیمارستان را می‌پردازد و این باعث شده تا بسیاری از بیمه‌شدگان تامین اجتماعی به دلیل افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها و گسترش فقر از درمان محروم شوند و اگر هم گاه به دلایل حیاتی به درمان روی آورند، به قعر دره‌ی فقر پرتاب می‌گردند. براساس آخرین آمار منتشره از سوی وزارت رفاه در سال ۹۹ دو میلیون و ۴۰۰ هزار نفر به دلیل هزینه‌های درمانی به زیر خط فقر سقوط کردند (چندین سال است که این آمارها به روز نمی‌شوند). همچنین باید بر افزایش بهای سرسام‌آور هزینه‌های درمانی در بیمارستان‌ها تأکید کرد، جدا از آن‌که در بیمارستان‌های دولتی به دلیل نبود بودجه، بسیاری از هزینه‌ها (از جمله تهیه دارو و وسایل بهداشتی) بر عهده بیمار است.

علت پرتاب شدن به زیر خط فقر به دلیل هزینه‌های درمان و یا محروم شدن از خدمات درمانی (مناسب) به این دلیل روشن است که درمان رایگان و با کیفیت که حق بدیهی مردم زحمتکش و ستمدیده ایران است، در حکومت اسلامی از آن‌ها گرفته شده است. تامین هزینه درمان و سلامت از جیب مردم در ایران براساس آمارهای مختلف رسمی و نیمه رسمی بین ۵۹ تا ۷۰ درصد است، در حالی‌که میزان متوسط جهانی آن ۱۸ درصد است.

گسترش فقر از سوی دیگر باعث شده است تا هزینه‌های درمانی بخش کوچکتری از مجموع سبد هزینه‌های توده‌های زحمتکش جامعه را به خود اختصاص دهد، نه از آن رو که نیازی ندارند، بلکه برعکس نیازها به دلیل شرایط زندگی آدم‌ها از نظر جسمی و روحی اتفاقاً بیشتر هم می‌شود، اما مسأله این است که پولی برای

درمان و دارو نمی‌ماند. برای نمونه در حالی‌که در سال ۸۶ هزینه بهداشت و درمان در سبد هزینه‌های خانوار ۱۱ درصد بود، در سال ۱۴۰۱ به ۹/۱ درصد کاهش یافت. از آن سو سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی نیز در این سال‌ها به شدت کاهش یافته است و از ۸/۵ درصد در سال ۹۴ به گفته‌ی ظفرقندی وزیر بهداشت در کابینه پزشکیان به کمتر از ۴ درصد رسیده است که به گفته‌ی وی باید به ۸ درصد برسد. این در حالی‌ست که برای نمونه در عراق سهم سلامت در تولید ناخالص داخلی (با سرانه تولید ناخالص داخلی چند برابر ایران) ۱۰ درصد است. در برخی از کشورهای پیشرفته بخش بزرگی از بودجه سالانه دولت صرف تامین هزینه‌های درمانی می‌شود.

اما در ایران: در ایران مراجعه به دندانپزشک به یک چیز لوکس تبدیل شده و مردم عموماً پولی برای آن ندارند. سال گذشته در ابرانشهر (سیستان و بلوچستان) ۴۰ زن باردار عمدتاً در اثر خونریزی پس از زایمان جان خود را از دست دادند. ۱۷ مهرماه تنها در یک روز در بیمارستان چشم پزشکی نگاه ۹ نفر از کسانی که برای جراحی آب مروارید که یکی از ساده‌ترین عمل‌ها و به‌اصطلاح یک عمل سرپایی است، مراجعه کرده بودند بنیانی حداقل یک چشم خود را از دست دادند. ۷۰ بیمار دیالیزی به دلیل استفاده از محلول‌های آلوده به آلومینیوم ۵ تا ۱۰ برابر حد مجاز که تولید شرکت "تامن" و سهامدار عمده آن آستان قدس رضوی است، جان خود را از دست دادند. این‌ها تنها چند خبر از وضعیت بحرانی درمان در کشور هستند، تنها چند خبر که در رسانه‌های جمهوری اسلامی بازتاب یافته بودند. از این هم بگذریم که بخش درمان از پرستار گرفته تا تخت بیمارستانی با کمبود شدید روبروست. اما همه‌ی این محرومیت‌ها برای توده‌های زحمتکش و ستمدیده جامعه است.

در آن سو عده‌ی معدودی هستند که از بهترین امکانات درمانی و دارویی برخوردارند و حتی اگر لازم باشد به خارج از کشور سفر کرده و در خارج از ایران مداوا می‌شوند، هزینه هم برای‌شان هیچ اهمیتی ندارد. اگر توده‌های زحمتکش و ستمدیده جامعه حتی از بیمارستان دولتی نیز محروم هستند، در عوض همان عده معدود در بهترین و گران‌ترین بیمارستان‌های کشور که مجهز به پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها هستند و همچنین داروهای خارجی با کیفیت برخوردارند. از هتل بیمارستان گاندی تا بیمارستان‌های تخصصی پارسیان و عرفان که حتی برای بیماران که از خارج برای مداوا می‌آیند، "بخش بین‌الملل" دارند. در بیمارستان صارم هزینه عمل سزارین با یک شب بستری در صفحه ۹



### کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

زندگی با پولی ناممکن



## اخراج‌ها باید متوقف شود و نمایندگان کارگران به کار بازگردند

در شرایطی که کارگران در سراسر کشور در وخیم‌ترین وضعیت مادی و معیشتی در قعر خط فقر زندگی می‌کنند، سرمایه‌داران و دولت، اقدامات ضد کارگری خود را علیه کارگران تشدید کرده‌اند. در روزهای اخیر گزارش‌های متعددی از اخراج کارگران به بهانه قطعی برق، از جمله در مجتمع فولاد ویان در استان همدان، واگن پارس اراک، پتروشیمی شاپاد (اسلام‌آباد غرب) انتشار یافته است.

در همین حال اقدامات پلیسی-امنیتی علیه کارگرانی که برای تحقق مطالبات خود به مبارزه برخاسته‌اند، تشدید شده است. متجاوز از ۱۲۰ هزار تن از کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری ایران و صنعت نفت، اکنون چندین سال است که برای تحقق مطالبات برحق خود تلاش می‌کنند و در هفته‌های اخیر نیز سه تجمع بزرگ ۳ تا ۵ هزار نفره را برپا کرده‌اند.

مقامات وزارت نفت اما نهنتها حتی به وعده‌هایی که مکرر به کارگران در مورد پذیرش برخی مطالبات دادند، عمل نکردند، بلکه بر طبق گزارش‌هایی که در این هفته انتشار یافته است، اقدامات امنیتی علیه این کارگران و نمایندگان آن‌ها را تشدید کرده‌اند. نمایندگان کارگران برای اخراج به «هسته گزینش جنوب» معرفی شدند. علاوه بر دو تن از نمایندگان کارگر که در طول ۷ ماه گذشته حکم اخراج قطعی دریافت کردند، اکنون ۱۳ تن دیگر از نمایندگان کارگران یا هم‌اکنون در انتظار حکم اخراج‌اند و یا هنوز تکلیف اشتغالشان نامعلوم است.

کارگران ارکان ثالث خواهان حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، افزایش دستمزد، استخدام رسمی و نظام پرداخت هم‌تراز با نیروهای رسمی و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت، بازگشت به کار کارگران اخراجی و پایان دادن به برخوردهای پلیسی و امنیتی‌اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) با محکوم کردن اخراج‌های اخیر کارگران واحدهای مختلف و اقدامات پلیسی-امنیتی علیه کارگران ارکان ثالث و اخراج نمایندگان آن‌ها، از مبارزات و مطالبات برحق کارگران حمایت می‌کند. اخراج‌ها و اقدامات امنیتی علیه کارگران، باید متوقف شود و نمایندگان کارگران به سرکار بازگردند.

تجربه به عموم کارگران ایران آموخته است که راهی برای توقف اقدامات ضد کارگری سرمایه‌داران و دولت و تحقق مطالبات کارگران، جز اتحاد، تشدید مبارزه و روی‌آوری به اشکال مؤثرتر و عالی مبارزه وجود ندارد.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده‌باد آزادی – زنده‌باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۷ دی‌ماه ۱۴۰۳**

**کار، نان، آزادی – حکومت شورایی**



## آموزش: کالایی در دست طبقه مسلط

آموزش خصوصی، بهرحتی از فرصت‌های گوناگون بهره‌مند می‌شوند، کودکان طبقات کارگر و فرودست به‌دلیل فشارهای معیشتی، مدرسه را ترک می‌کنند. این کودکان، قربانیان ساختار اقتصادی طبقاتی ناعادلانه‌ای هستند که در آن، آموزش نه به‌عنوان یک حق انسانی، بلکه به‌عنوان یک امتیاز اجتماعی تعریف می‌شود. در نتیجه، بسیاری از کودکان طبقات محروم و فرودست، به‌جای نشستن پشت نیمکت‌های مدرسه، در کارگاه‌های زیرزمینی، مزارع و خیابان‌ها و حتا برخی نهادهای وابسته به مراکز رسمی، از جمله در شهرداری‌ها، به کارهای سخت و طاقت‌فرسا مشغول می‌شوند و به نیروی کار ارزان نظم حاکم بر ایران بدل می‌گردند. در نتیجه، کودکان اکنون محروم از تحصیل، در آینده، نیز، امکان یافتن شغل‌های مناسب را از دست می‌دهند و در این چرخه، فقر از هر نسل به نسلی دیگر انتقال می‌یابد.

این مسئله در مناطق حاشیه‌ای، روستایی، به ویژه، مناطق مرزی، در میان طبقات محروم و فرودست به‌شکل بارزتری خودنمایی می‌کند. توده‌های ساکن این مناطق، به دلیل تبعیض‌های جنسیتی و ملی، نابرابری‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. بر اساس داده‌های موجود، نرخ ترک تحصیل در مناطق روستایی ایران بالاتر از مناطق شهری است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۹، حدود ۷۰ درصد از کودکان بازمانده از تحصیل در دهک‌های یک تا پنج درآمدی قرار داشتند که بسیاری از آن‌ها ساکن مناطق روستایی بودند.

در این میان، نهادهایی مانند وزارت آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی، به‌جای ارائه راهکارهای عملی، به طرح‌های مقطعی و شعاری بسنده کرده‌اند. بودجه ناکافی، فساد اداری و توزیع نابرابر منابع آموزشی باعث شده است که بسیاری از مناطق محروم، از حداقل امکانات آموزشی نیز بی‌بهره بمانند. برای نمونه، در برخی از مناطق استان سیستان و بلوچستان، فاصله روستا تا مدرسه به ۲۰ تا ۵۰ کیلومتر می‌رسد. همین استان با بیش از ۷۳ درصد بیشترین نرخ فقر کودکان بازمانده از تحصیل را در سال ۱۳۹۹ داشت. دختران در این مناطق به‌دلیل سنت‌های نادرست فرهنگی و نبود زیرساخت‌های آموزشی مناسب، از تحصیل محروم می‌شوند. از سوی دیگر، زبان آموزشی متفاوت با زبان مادری، مانعی جدی در مسیر آموزش‌یابی کودکان محسوب می‌شود. به این ترتیب، نظام آموزشی، ابزار ایدئولوژیک حاکمیت برای تحمیل فرهنگ مسلط و سرکوب هویت‌های ملی و جنسیتی بدل می‌گردد.

حاکمیت با پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی، خصوصی‌سازی مدارس، کاهش حمایت‌های دولتی، حذف حمایت‌های اجتماعی عملاً آموزش را به کالایی برای فروش تبدیل کرده است. آنچه در سپهر آموزشی ایران می‌گذرد، تحصیل، عملاً به تجارتی سودآور برای اقلیتی از سرمایه‌داران و مسئولان فاسد تبدیل شده است. مدارس غیرانتفاعی و

خصوصی، با شهریه‌های سرسام‌آور، به حیاط خلوت طبقه مرفه بدل شده‌اند، در برابر، مدارس دولتی، با حداقل امکانات و معلمان کم‌تجربه، پذیرای کودکان طبقات فرودست هستند. مقامات رژیم برای کاهش بار مالی کابینه‌ها، و در راستای پیشبرد سیاست نولیبرالی به خصوصی‌سازی وسیع آموزش دست زده‌اند؛ از جمله ایجاد مدارس غیرانتفاعی، مدارس هیئت امنایی، واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی. از دیگر طرح‌های در دست اجرا، تغییر کاربری مدارس است که از سال ۹۳ آغاز شد و در سال‌های ۹۶ تا ۹۷ اوج گرفت. یعنی بخش‌هایی از فضای مدرسه به فضای تجاری و مغازه تبدیل شده و اجاره داده می‌شود. بهانه نیز آن است که مدارس دست در جیب خودشان داشته باشند. پدیده‌ای که به فساد و جنجال‌های متعددی منجر گشت.

سازمان‌هایی مانند وزارت آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی، به‌جای رفع معضل بی‌سوادی، به بنگاه‌های توزیع رانت و فساد تبدیل شده‌اند. بودجه‌های کلان آموزشی در حلقه‌های بسته بوروکراتیک حیف‌ومیل شده و مدارس مناطق محروم همچنان بدون معلم، بدون کتاب و بدون تجهیزات به حال خود رها شده‌اند.

بررسی بودجه‌های وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۹۰ تاکنون، نشان‌دهنده روند مسئولیت‌زدایی دولت در حوزه آموزش است. در سال ۱۳۹۰، سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت، در حدود ۳ / ۵ درصد بود این سهم در سال ۱۳۹۴ به ۳ / ۸ درصد رسید. در سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۱ / ۱۳ درصد بود و در سال ۱۴۰۳ بودجه آموزش و پرورش، به ۸ / ۹ درصد کاهش یافت. با آن که این ارقام، افزایش بودجه وزارت آموزش و پرورش را تداعی می‌کنند، اما با در نظر گرفتن نرخ تورم، در واقعیت، افزایش اسمی بودجه با افزایش نرخ تورم تناسبی نداشته است. برای مثال، در سال ۱۳۹۹ سهم بودجه وزارت آموزش و پرورش از بودجه عمومی، ۳ / ۷ درصد، در برابر نرخ تورم ۵ / ۲۱ درصدی، در سال ۱۳۹۴، ۳ / ۸ درصد در برابر نرخ تورم ۶ / ۱۵ درصدی، در سال ۱۴۰۰، ۴ / ۱۳ درصد در برابر نرخ تورم ۴۰ درصدی بوده است. به این ترتیب مشاهده می‌شود، هیچ‌گاه بودجه این وزارت‌خانه همپای نرخ تورم، حتا رسمی، نبوده است، چه رسد به نرخ تورم واقعی. در نهایت، در سال ۱۴۰۳ حتا این افزایش ظاهری نیز حفظ نمی‌شود. این بودجه‌های سالانه، نیز، عمدتاً صرف هزینه‌های جاری، از جمله پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان و معلمان می‌شود و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، احداث مدارس جدید و به کارگیری فناوری‌های نوین آموزشی ناممکن است، البته اگر عزمی در این راستا وجود می‌داشت. در برخی موارد حتا بودجه مصوب نیز به طور کامل تخصیص داده نمی‌شود و با تأخیر همراه است.

کمبود معلم از دیگر معضلات نظام آموزشی ایران است. در آبان ۱۴۰۳، سخنگوی وزارت

آموزش و پرورش اعلام کرد با وجود افزایش تعداد دانش‌آموزان، تعداد معلمان و کادر آموزشی کاهش یافته است. این کمبود در مناطق محروم بیش‌تر خودنمایی می‌کند. با آن که جمعیت دانش‌آموزان از ۲ / ۱۳ میلیون نفر در سال تحصیلی ۹۷ - ۹۶ به ۵ / ۱۶ میلیون نفر در سال ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲ رسیده است، تعداد معلمان کشور از ۸۴۰ هزار نفر به حدود ۷۵۰ هزار نفر کاهش یافته است. تخمین زده می‌شود بین ۱۸۵ هزار تا ۲۱۵ هزار معلم دیگر برای مقاطع مختلف تحصیلی نیاز است. برای جبران این کمبود، وزارت آموزش و پرورش به شیوه‌های گوناگونی متوسل شده است. یکی از آن‌ها معلمان خرید خدمتی هستند. معلمانی که به طور موقت با قراردادهای سالانه یا پروژه‌ای در مدارس استخدام می‌شوند و در کنار عدم امنیت شغلی، از مزایای کامل معلمان رسمی محروم هستند. تعداد آن‌ها حدود ۹۰ تا ۹۵ هزار نفر برآورد می‌شود. یکی دیگر، استخدام مجدد بازنشستگان در قالب نیروهای پاره وقت است. علاوه بر آن، بخشی از نیروی آموزشی، از طریق سرباز معلمان تأمین می‌شود که سالیانه به حدود ۶۰ تا ۱۰ هزار نفر می‌رسند، بدون آن که لزوماً دوره‌های حرفه‌ای و آموزشی خاصی دیده باشند. معلمان رسمی نیز با مشکلات عدیده معیشتی روبرویند و به‌رغم اعتراضات متعدد، مشکلاتشان حل نشده باقی مانده است که این خود، بر کیفیت آموزشی تأثیرات منفی بر جای می‌گذارد.

معضل اساسی دیگر، نزول کیفی آموزش در ایران است. بنا به اخبار منتشره در سال ۱۴۰۲ بر اساس نتایج سنجش بین‌المللی "پرلز" در زمینه "سواد خواندن"، حدود ۴۰ درصد دانش‌آموزان ایرانی نتوانستند حداقل نمره معیار را کسب کنند و به همین دلیل ایران از میان ۵۷ کشور، رتبه‌ای بهتر از ۵۳ کسب نکرد. بر اساس تحقیقی، میانگین نمرات آزمون‌های نهایی پایه دوازدهم در سال‌های اخیر همواره کمتر از ۱۳ بوده است. علاوه بر این، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در مناطق محروم، از هر ۲۰ دانش‌آموز، ۴ تا ۵ نفر توانایی خواندن و نوشتن ندارند. همچنین، زمان آموزشی در دوره ابتدایی و درس ریاضی در مقطع متوسطه اول، نسبت به میانگین جهانی بسیار پایین است.

زیرساخت‌های آموزشی در ایران نیز با معضلات عدیده‌ای روبروست. گذشته از کمبود مدارس، بسیاری از مدارس به ویژه در مناطق فقیرنشین و روستایی در زمینه ایمنی ساختمان‌ها با مشکلات جدی روبرو هستند. امکانات آموزشی، نظیر آزمایشگاه‌های مجهز و کتابخانه، دسترسی به اینترنت و وسیله دیجیتال از دیگر چالش‌های مدارس دولتی ایران است. بر اساس اعلام سازمان نوسازی مدارس، بیش از ۳۰ درصد مدارس کشور نیازمند بازسازی یا مقاوم‌سازی هستند. کمک‌های خیرین بخش مهمی از منابع مالی نوسازی را تشکیل می‌دهد اما این کمک‌ها برای رفع نیازها کافی نیستند. در برخی مناطق محروم، کلاس‌های درس در کانکس یا حتا در چادر برگزار می‌شود. در بسیاری از مدارس دولتی، تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس از حد استاندارد فراتر می‌رود. امری که کیفیت آموزش را باز هم بیش‌تر نزول می‌دهد. محتوای



## آموزش: کالایی در دست طبقه مسلط

کتاب‌های درسی ناهمخوان با استانداردهای جهانی هستند. آموزش در ایران، تحت حاکمیت یک رژیم دینی، بیش‌تر به امری برای ترویج خرافات و تبعیض‌های جنسیتی، ملی، دینی بدل گشته است تا فراگیری علوم و فناوری‌های نوین. در این میان، بیهوده نیست که سالانه بر تعداد بی‌سوادان و کم‌سوادان و نیز بازماندگان از تحصیل افزوده می‌شود. در فروردین ۱۴۰۳، مرکز آمار ایران اعلام کرد، در سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱، در مقاطع مختلف تحصیلی ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر از تحصیل بازماندند. این رقم نسبت به سال قبل، بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، حدود ۲ درصد افزایش داشته است. در همین گزارش، ضمن اشاره به عامل فقر در ترک تحصیل، گفته می‌شود در سال ۱۳۹۹، حدود ۷۰ درصد کودکان بازمانده از تحصیل در دهک یک تا پنج قرار داشتند. دهک دوم با ۲۲ درصد بیشترین سهم بازماندگی از تحصیل را به خود اختصاص داده بود. آمار سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۵ - ۱۳۹۴ با یک افزایش ۱۷/۵ درصدی و آمار سال ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱ نسبت به همان سال یک افزایش ۲۶ درصدی را نشان می‌دهد.

بر اساس آمار موجود هزینه‌های آموزشی دهک‌های بالای درآمدی در سال ۱۳۹۵ حدود ۴۷ برابر دهک‌های پایین بوده است. در سال ۱۳۹۶ دسترسی سه دهک بالای جامعه به آموزش کیفی ۵۸ درصد و برای سه دهک پایین تنها ۴/۵ درصد گزارش شده است. پیامدهای نظام آموزشی در مقاطع ابتدایی و متوسطه تأثیر خود را بر دسترسی به آموزش عالی نیز نشان می‌دهد. تنها ۷ درصد از دانشجویان از دهک‌های اول و دوم درآمدی هستند، در حالی که دهک‌های نهم و دهم ۲۷ درصد دانشجویان را تشکیل می‌دهند.

بی‌سوادی و کم‌سوادی در ایران نه یک مشکل آموزشی ساده، بلکه یک بحران عمیق طبقاتی، اجتماعی و سیاسی است. هرگونه راهکار واقعی برای حل این بحران، نیازمند تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحصیل و آموزش حق همه کودکان است و باید از چنگال بازار آزاد و سودجویان رها شود. تنها در سایه عدالت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌توان به جامعه‌ای عادلانه و عاری از بی‌سوادی دست یافت.

این بحران، زاینده نظامی است که منافع خود را در ناآگاهی و استثمار طبقات فرودست جست‌وجو می‌کند و حاکمیت دولت دینی ارتجاعی حامی این نظام. تا زمانی که ساختارهای نظم موجود در هم شکسته نشوند و تغییراتی ریشه‌ای و ساختاری به وقوع نپیوندد، اصلاحات جزئی و طرح‌های مقطعی به سرانجام نخواهند رسید. برای تبدیل آموزش به حقی همگانی، تحولات رادیکالی لازم است؛ تحولاتی از جمله:

آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه و بهره‌مندی تمام دانش‌آموزان به هزینه دولت از غذای، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب و ذهاب؛

## فروپاشی «محور مقاومت» و تبعات ناگزیر آن در عراق

دیگر نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ که با فتوای آیت‌الله سیستانی برای مقابله با داعش صورت گرفت، تا حدودی توازن قوای سیاسی در عراق را به نفع نیروهای شیعی و به ضرر نیروهای ظاهراً سنی مذهب سوق داد. اکنون با وضعیت پیش آمده که منجر به تضعیف جمهوری اسلامی و به طریق اولی منجر به تضعیف موقعیت نیروهای نیابتی آن در عراق شده است، بار دیگر اوضاع به نفع جناح‌های رقیب رقم خورده و آنان نیز مجدداً به تحکیم بیشتر قدرت خود در عراق امیدوار شده اند.

بی تردید، این موضوع نیز به سهم خود شرایط داخلی عراق را برای نخست وزیر این کشور بحرانی‌تر کرده و چه بسا او را در یافتن یک «راه حل مناسب» برای برون رفت از بحرانی که هم اینک در آن قرار گرفته است، ترغیب نماید. راه حلی که پیش از هر چیز احتمالاً در پاسخگویی به اهداف آمریکا، اسرائیل و سازمان ملل در مورد نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی و کوتاه کردن هرچه بیشتر دست هیئت حاکمه ایران در عراق منتهی خواهد شد. موضوعی که چه بسا با عمیق‌تر شدن شکاف میان این نیروها با دولت عراق، شرایط بازهم بحرانی‌تری را برای دولت این کشور ایجاد کند.

با این همه آنچه روشن است، با سقوط بشار اسد، آفتاب نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی نه فقط در عراق که در یمن هم بر لب بام است و اکنون جهان نظاره‌گر شکست کامل سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نابودی عمق استراتژیک آن در منطقه است. در این میان آنچه شگفت‌انگیز است و مایه تمسخر، توهمات خیالپردازانه جمهوری اسلامی، فرماندهان سپاه و به طور اخص توهمات بیمارگونه شخص خامنه‌ای است که همچنان در راستای امیدبخشی به نیروهای مایوس و ناامید ولایی خود با سبلی صورت خود را سرخ نگه داشته و مدعی‌اند، نه تنها جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست «عمق استراتژیک» خود شکست نخورده است، نه تنها محور مقاومت تضعیف نشده، بلکه از پیش هم قوی‌ترند و قدرتمندتر هم خواهند شد.

## بهداشت و درمان رایگان حق بدیهی تمامی آحاد جامعه است

در اتاقی دو تخته و در شرایطی که بیمار نیاز به داروی خاص و یا ICU نداشته باشد، ۲۴۰۰ دلار تعیین شده است. به اعتراف مقامات و رسانه‌های دولتی در برخی از بیمارستان‌ها پزشکان متخصص برای عمل جراحی از مراجعان سکه طلا، بیت‌کوین و با دلار می‌گیرند. برخی از بیمارستان‌های خصوصی قبل از پذیرش بیمار درخواست ۱۰۰ میلیون تومان بابت پیش پرداخت طلب می‌کنند.

سال از پی سال نیز اوضاع بدتر و کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه از حق بدیهی خود برای درمان مناسب بیشتر محروم می‌شوند. جمهوری اسلامی با خصوصی‌سازی، افزایش سهم بیماران از هزینه درمان، آزادسازی قیمت‌ها و حذف سوبسید (از جمله در مورد بهای دلار) در واقع هزینه‌هایی را که پرداخت آن بر عهده‌ی دولت است بر دوش مردم زحمتکش جامعه انداخته است. برای جمهوری اسلامی سلامت مردم موضوعی کاملاً فرعی است. برای جمهوری اسلامی حفظ حکومت و پیشبرد سیاست‌های جاهطلبانه‌ی منطقه‌ای اهمیت دارد. هر قدر هم که هزینه داشته باشند، جمهوری اسلامی آماده تأمین آن است. همان‌طور که در بودجه ۱۴۰۴ با سه برابر شدن هزینه‌های نظامی، نیمی از درآمدهای نفتی مستقیم به جیب نیروهای نظامی ریخته می‌شود. نتیجه این سیاست نیز چیزی نیست جز کاهش سهم بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و دیگر نهادها و مؤسسات دولتی که فلسفه وجودی‌شان ارائه خدماتی به مردم است، اما در زیر قدرت حکومت اسلامی به وزارتخانه‌هایی پوشالی و حتا در خدمت ماشین جنگی رژیم درآمده‌اند.

درمان و بهداشت رایگان حق بدیهی تمامی آحاد جامعه است. از همین رو در برنامه سازمان فدائیان (اقلیت) در ارتباط با وظایف فوری حکومت شورایی بر برقراری یک سیستم تأمین اجتماعی جامع و کامل از گهواره تا گور و بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، گسترش شیرخوارگاه‌ها، مهدکودک‌ها و مؤسسات آموزشی بهداشتی و پزشکی تأکید شده است.

دختران؛ ممنوعیت کار کودک؛ نظارت شوراها برای مقابله با فساد و سوءاستفاده از بودجه‌های آموزشی.

اجرای این راهکارها به‌صورت هم‌زمان و با اراده‌ای جدی و پایدار می‌تواند ریشه‌های این معضل را به‌طور اساسی از بین ببرد. دانایی، قدرت است و سرمایه‌داری و نظامی دینی حاکم ناآگاهی را می‌پسندد. برای اجرای این راهکارها، اولین گام، سرنگونی حکومت جهل و خرافه است و تعیین تکلیف قطعی با نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران.

پایان دادن به خصوصی‌سازی مدارس و بازگرداندن نظام آموزشی به مالکیت دولت؛ حمایت مالی از خانواده‌های کارگری و محروم؛ ایجاد زیرساخت‌های آموزشی در سراسر کشور، به ویژه، در مناطق محروم و مرزی؛ ساخت مدارس استاندارد و اعزام معلمان متخصص به این مناطق؛ آموزش به زبان مادری؛ بازطراحی نظام آموزشی با هدف ایجاد پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد؛ استفاده از فناوری و نوآوری‌های آموزشی؛ فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش اجتماعی، به ویژه در مورد تحصیل

## آموزش: کالایی در دست طبقه مسلط

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1102 December 2024

کمبود در کشور وجود دارد؟ وی کوشید، تفاوت آمارها و ارقام اعلام شده را به "شاخص‌های متفاوت" نسبت دهد، اما "شاخص‌های متفاوت" نمی‌توانند توجیه‌گر این تفاوت آماری باشند. هرچند، مردم ایران دیر زمانی است که به آمارسازی‌های سران جمهوری اسلامی خو کرده‌اند و تناقضات آماری دیگر تعجب‌برانگیز نیستند.

به گزارش بانک جهانی، هر ۱ درصد افزایش فقر می‌تواند منجر به افزایش ۵ / ۰ تا ۱ درصدی نرخ ترک تحصیل شود. پس، بهبود نیست که فقر و بحران معیشتی که گریبان‌گیر بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان ایران است، به‌طور مستقیم کودکان را از آموزش محروم می‌کند. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، آموزش به‌رغم شعارهای رایگان بودن، به‌طور فزاینده‌ای به یک کالای لوکس تبدیل شده است. هزینه‌های سرسام‌آور لوازم‌التحریر، لباس فرم، کتاب‌های کمک‌آموزشی و شهریه‌های غیررسمی مدارس دولتی، آموزش را برای طبقات محروم به امری دست‌نیافتنی تبدیل کرده است. خانواده‌های بسیاری در تأمین نیازهای اولیه زندگی در مانده‌اند و نمی‌توانند هزینه‌های تحصیل کودکان را تأمین کنند. در نهایت، در حالی‌که طبقات مرفه با دسترسی به مدارس غیرانتفاعی و

در صفحه ۸

بی‌سوادی و کم‌سوادی در ایران نه یک بحران آموزشی، بلکه پدیده‌ای است که ریشه در ساختارهای پوسیده و ناعادلانه نظام سرمایه‌داری و رژیم حاکم بر ایران دارد. این معضل، محصول یک نظم اقتصادی و سیاسی است که آگاهانه طبقات محروم و زحمتکش را در جهل و ناآگاهی نگه می‌دارد تا چرخ استثمار بی‌وقفه بچرخد. آموزش در این سیستم نه به‌عنوان حقی همگانی، بلکه به‌مثابه کالایی انحصاری در دست طبقه حاکم تعریف شده است. نظام آموزشی کنونی در خدمت طبقه سرمایه‌دار حاکم و تحکیم و تقویت تحصیل و آموزش پولی و طبقاتی است. از این‌روست که در ایران، سال به سال، تعداد بیش‌تری از توده‌های مردم از این حق بنیادین، یعنی تحصیل و آموزش محروم می‌شوند.

روز ۴ دی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرد: ۱۸ میلیون بی‌سوادی و کم‌سوادی ۹۰۰ هزار بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد. با وجود این، همین فرد، در برنامه "شبکه خبر" (۶ دی) مدعی شد، میزان باسوادی در ۴۵ سال گذشته به ۹۷ درصد رسیده است. براساس آخرین برآوردهای مرکز آمار، جمعیت کشور در سال ۱۴۰۳ به ۸۵ میلیون و ۹۶۱ هزار نفر رسیده است. بنابراین، اگر نرخ باسوادی واقعاً ۹۷ درصد است، چگونه ۱۸ میلیون بی‌سوادی و



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

## تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

## بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی